

فهرست

۵

۸۷

۱۶۵

۲۳۹

۲۴۷

۲۴۸

Understanding People **درس اول**

A Healthy Lifestyle **درس دوم**

Art and Culture **درس سوم**

پیوست آزمون‌های جامع

حداکثر زدن لغات ناآشنا

تلفظ و آهنگ کلام

مقدمه

با تغییر نظام آموزشی خیلی از کتاب‌ها تغییر نکردند و به همان روال سابق نوشته شدند. شخصاً اعتقادم این است که دانش‌آموزان بسیار باهوش هستند و بعد از مدتی به این موضوع خواهند رسید که کتاب خوب، کتابی است که از همه جهات کامل باشد چه درس‌نامه، چه تست، چه پاسخ و چه...
این کتاب را یک مؤلف نوشته است که سال‌های سال است تجربه کار کردن با دانش‌آموزان مختلف چه ضعیف، چه کسانی که صددرصد زده‌اند را داشته، بنابراین خیالتان راحت که این همان کتابی است که تو با آن می‌توانی زبان سال یازدهم را برای کنکور فیتیله‌پیچ کنی...

بخش‌های مختلف کتاب

گرامر:

در نوشتن درس‌نامه‌ها تمام تلاش‌م را کرده‌ام که گرامر را به زبانی ساده و جذاب و به دور از هرگونه اضافه‌گویی و نکات عجیب‌غریب آموزش دهم. برای هر مبحثی که آموزش داده‌ام چندین تست خوب و کاربردی آورده‌ام تا آن مطلب به‌طور کلی در ذهنتان جا بیفتد. بعد از درس‌نامه به ۱۰ تست گرامر می‌رسیم که از سطح ساده تا دشوار تقسیم‌بندی شده‌اند و با حل آن‌ها خیالتان راحت خواهد شد که از عهده هر آزمونی برخواهید آمد.

واژگان:

تمامی واژگان کتاب درسی و کتاب کار را در ۴ جلسه مطالعاتی قرار داده‌ام. هر جلسه مطالعاتی براساس اهمیت آن واژگان است. برای مثال در جلسه اول، ۲۳ واژه مهم کتاب را آورده‌ام که اصلی‌ترین واژه‌های آن درس هستند. برای یادگیری بهتر واژه‌ها را در قالب جمله و به همراه تصویرسازی آموزش داده‌ام تا در ذهنتان ماندگار شود. از آنجایی که می‌خواستم شما را از هر کتاب دیگری بی‌نیاز کنم، تمام مترادف‌ها، متضادها، هم‌نشین‌ها، هم‌خانواده‌ها، واژه‌های گنج‌کننده و ... هر واژه را در کنار آن آورده‌ام. بعد از چنین درس‌نامه‌هایی به ۲۲۰ تست واژگان می‌رسیم که آن‌ها هم از ساده تا دشوار سطح‌بندی شده‌اند. واژه‌ای نبوده که تست نشده باشد و نکته‌ای نمانده که در پاسخ‌نامه نگفته باشم، پس همه را با حوصله حل کنید.

کلوزتست:

در هر درس ۸ کلوزتست سطح‌بندی شده و مطابق با کنکورهای اخیر وجود دارد. برای تسلط بیشتر در قسمت کلوزتست پیشنهاد می‌کنم که آن‌ها را در چندین نوبت و با فاصله زمانی حل کنید. حتماً پاسخ‌نامه تشریحی را بخوانید و نقطه ضعف‌هایتان را برطرف کنید.

درک مطلب:

همه می‌دانیم که درک مطلب از مهم‌ترین و سخت‌ترین بخش‌های هر آزمون است. قبل از شروع تست‌های درک مطلب، مهارت‌های skimming و scanning و ... را به صورت کاملاً کاربردی آموزش داده‌ام و برای هر درس ۱۰ درک مطلب سطح‌بندی شده آورده‌ام که با حل آن‌ها می‌توانید به تسلط برسید و پرونده درک مطلب را در سال یازدهم ببندید.

تست‌های سطح‌بندی شده:

تمام تست‌های این کتاب از گرامر تا درک مطلب به صورت سطح‌بندی شده هستند که با توجه به وضعیت خودتان می‌توانید به آن‌ها پاسخ دهید.

آزمون جامع:

در انتهای کتاب یک آزمون جامع آورده‌ام که سطح آن بالاتر از کنکور سراسری است و پایانی است بر تست‌های سال یازدهم و حل آن‌ها از واجبات است.

پاسخ‌نامه تشریحی:

با یک نگاه سریع به قسمت پاسخ‌نامه متوجه خواهید شد که کلمه «تشریحی» به معنای واقعی کلمه معنی شده است. در بخش گرامر تمام گزینه‌ها را تحلیل کرده‌ام، در پاسخ‌نامه واژگان نکات بسیار مهم را آورده‌ام و در بخش کلوزتست و درک مطلب هیچ نکته‌ای را از قلم نیتداخته‌ام.

ضمیمه:

در بخش ضمیمه، راهکارهای حدس زدن معنی لغات ناآشنا را آموزش داده‌ام. بعد از آن هم به توضیح مبحث استرس کلمات پرداخته‌ام.

تشکرنامه:

- ۱ باز هم اطمینان مدیریت محترم انتشارات مهرماه، آقای احمد اختیاری بود که زمینه تألیف چنین کتابی را فراهم آورد.
- ۲ همیشه خداوند را شاکر هستم که خانواده‌ام در همه زمینه‌ها حامی من بوده‌اند.
- ۳ شاید آقای احسان عرب و خانم سارا ذبیحی هیچ‌گاه مقدمه‌هایم را نخوانند، اما همیشه از آن‌ها به خاطر حمایت‌هایشان متشکرم.
- ۴ تألیف این کتاب بسیار سخت و نفس‌گیر بود و قاعدتاً بدون کمک این عزیزان، پیمودن چنین مسیری غیر ممکن بود. خانم سمیه حیدری مدیر تألیف دروس عمومی و خانم معصومه عفرای که در ویراستاری کتاب به من کمک کردند.

دوستتان دارم با تمام وجودم
حمیدرضا نوربخش



Grammar

دستور زبان

اسم‌های قابل شمارش

به اسم‌هایی که می‌توان آن‌ها را شمرد، اسمی قابل شمارش می‌گوییم؛ مثلاً می‌توان گفت یک کتاب، دو کتاب، سه کتاب و ... اسم‌های قابل شمارش را می‌توان در گروه‌های زیر قرار داد:

- ① افراد (three drivers, two students, a teacher)
- ② حیوانات (three tigers, two cats, a zebra)
- ③ گیاهان (a flower, two trees)
- ④ اشیاء (three bags, two pencils, a book)
- ⑤ مکان‌ها (three stadiums, two parks, a cinema)

- ① I have a book.
- ② I have an apple.
- ③ I have three books.
- ④ I have five potatoes.

- من یک کتاب دارم.
 من یک سیب دارم.
 من سه کتاب دارم.
 من پنج سیب زمینی دارم.



- ① اسم‌های قابل شمارش هم شکل مفرد دارند و هم شکل جمع (مثال ۱ و ۳).
 ② اسم‌های قابل شمارش اگر مفرد باشند a / an می‌گیرند (مثال ۱ و ۲).
 ③ اگر حرف اول اسم مفرد یکی از حروف صدادار (u - o - i - e - a) باشد، آن اسم با an به‌کار می‌رود (مثال ۲).
 ④ اسمی مفرد معمولاً با اضافه کردن s یا es به انتهای کلمه جمع بسته می‌شوند (مثال ۳ و ۴).
 ⑤ برخی اسم‌ها، هم با معنی قابل شمارش و هم غیر قابل شمارش به‌کار می‌روند.

در جدول زیر مهم‌ترین اسم‌هایی که می‌توانند هم با معنی قابل شمارش و هم غیر قابل شمارش به‌کار روند، آمده‌اند. جدول را با دقت بخوانید.

اسم	معنی قابل شمارش	معنی غیر قابل شمارش
food	توع خاصی از غذا	در مفهوم کلی غذا
hair	چند تار مو	در مفهوم کلی مو
paper	روزنامه	کاغذ
room	اتاق	فضا، جا
time	دفعه، مرتبه	در مفهوم کلی زمان
work	اثر، تألیف	در مفهوم کلی کار

اسم‌های غیر قابل شمارش

به اسم‌هایی که قابلیت شمردن شدن ندارند، اسم‌های غیر قابل شمارش می‌گوییم. برای مثال money یک اسم غیر قابل شمارش است؛ چون نمی‌توانیم بگوییم «دو تا پول بدهید».

اسم‌های غیر قابل شمارش را می‌توان در دسته‌های زیر قرار داد:

- ① جامدات (paper, chicken, meat)
- ② مایعات (coffee, blood, water)
- ③ گازها (steam, oxygen, air)
- ④ مواد و مصالح (wood, metal, silk)
- ⑤ اسم‌های انتزاعی (information, honesty, knowledge)
- ⑥ ذرات خرد و کوچک (hair, rice, sugar)



قید حالت، قید مکان، قید زمان

قید کلمه‌ای است که اطلاعات بیشتری را به جمله اضافه می‌کند.
در درس اول مؤلف کتاب درسی، از سه قید حالت، مکان و زمان سخن گفته است.

26 He drives **carefully**.

او با احتیاط رانندگی می‌کند.

27 I study English **at school**.

من انگلیسی را در مدرسه مطالعه می‌کنم.

28 I bought a car **yesterday**.

دیروز من یک ماشین خریدم.

نکته

1 قید حالت یا اضافه کردن **ly** به انتهای صفت ساخته می‌شود که در سال دهم با آن آشنا شدیم. (مثال 26. قید حالت است.)

2 قید مکان، به محل انجام گرفتن فعل اشاره می‌کند. (مثال 27. قید مکان است.)

3 قید زمان، به زمان انجام گرفتن فعل اشاره می‌کند. (مثال 28. قید زمان است.)

ساختار کلی جمله ساده

هر جمله ساده در زبان انگلیسی دست کم از یک فاعل (subject) و یک فعل (verb) تشکیل شده است. به مثال 29 توجه کنید.
یک جمله ساده ممکن است اطلاعاتی اضافی نیز، در قالب قید زمان، مکان و حالت، ارائه دهد. به مثال 30 توجه کنید.
فرمول جمله‌نویسی در زبان انگلیسی به ترتیب زیر است:

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + فاعل

29 I cooked the cake **carefully in the kitchen last night**.

من دیشب کیک را با دقت در آشپزخانه پختم.

30 **Last night**, I saw my teacher.

دیشب معلم را دیدم.

31 We **usually** visit our grandmother on Fridays.

ما اغلب مادر بزرگمان را جمعه‌ها می‌بینیم.

نکته

1 قیدهای حالت، مکان و زمان می‌توانند هم در انتهای جمله و هم در ابتدای جمله بیایند. (مثال 29. قید زمان است و در مثال 30.

در انتهای جمله و در مثال 31 در ابتدای جمله آمده است.)

2 اگر در جمله فعل **to be** داشته باشیم، قیدهای تکرار بعد از آن‌ها و در غیر این صورت بعد از فاعل و قبل از فعل اصلی می‌آیند. (مثال 31)

تست‌های آموزشی

7. Choose the sentence with the best order.

- 1) Yesterday I went back late home in the afternoon.
- 2) I went back home late in the afternoon.
- 3) I went back home yesterday in the afternoon late.
- 4) I went back late home in the afternoon yesterday.

پاسخ:

توضیح: **late** به عنوان قید حالت نمی‌تواند بین فعل و مفعول قرار بگیرد. (حذف گزینه‌های 1 و 4)

طبق فرمول کلی جمله‌نویسی گزینه 2 درست است.

late قید حالت است و باید قبل از قید مکان و زمان بیاید. (حذف گزینه 3)



1. In _____ recent newspaper article, I read about _____ Australian swimmer who has been saved from _____ shark by _____ group of dolphins.

- 1) a - a - an - the 2) a - an - a - a 3) a - the - a - a 4) a - the - the - a

2. Do you have _____ minutes? I'd like to ask you _____ questions: I need _____ more information.

- 1) a little - a little - a few 2) a little - a few - a few
3) a few - many - a little 4) a few - a few - a little

3. Natasha likes sweet tea. She usually adds _____ honey to her tea. Sometimes she adds _____ milk too.

- 1) a few - a little 2) a little - a few 3) a few - a lot of 4) a little - a little

4. Can I have a _____ of tea and a _____ of cake, please?

- 1) cup - slice 2) bottle - piece 3) cup - glass 4) bottle - slice

5. Please put _____ fruit on the table.

- 1) many 2) a few 3) a 4) some

6. Which one is the best answer?

Excuse me, do you have any books about history?

- 1) Sorry, we don't have some. 2) We have some, but not many.
3) Yes, we have much books about dogs. 4) No, we have a little books about history.

7. Which option **CANNOT** fill in the blank?

_____ families have more than one television.

- 1) Many 2) Much 3) Lots of 4) A few

8. Which one is the correct answer?

Did many people come to the exhibition at the museum?

- 1) Much people came here yesterday, but not many people come today.
2) Many people came here yesterday, but there wasn't much here today.
3) There were lots of people here yesterday, but not many people came here today.
4) There were lots of people here yesterday, but there wasn't much here today.

9. Which option **CANNOT** fill in the blank?

Would you like _____ chocolate cake?

- 1) many 2) some 3) a lot of 4) lots of

10. How _____ bread is eaten every day?

- 1) much 2) many 3) a few 4) -

11. They may order a _____ of tea, a _____ of cake, or a _____ of juice.

- 1) piece - cup - glass 2) cup - piece - glass
3) cup - glass - piece 4) piece - glass - cup

12. How many _____ in the street?

- 1) cars are there 2) cars there are 3) cars is there 4) cars there is

13. How much _____ in the kitchen?

- 1) bread there is 2) bread is there 3) bread are there 4) bread there are



45. I don't feel lonely in this town because I have _____ friends.

- 1) much 2) a few 3) few 4) a lot

46. Which one is correct?

- 1) There is lots of books on the shelf. 2) There is children in the yard.
3) There is some good advice for us. 4) There is some books for you.

47. Which one is NOT correct?

- 1) How many books did you read in summer?
2) How many pencils do you have in your bag?
3) How much milks do you drink each day?
4) How much money do you save each month?

48. Which sentence is NOT correct?

- 1) I don't have much work to do. 2) An animal need a regular supply of food.
3) A bird has wings. 4) A knowledge is a source of power.

49. Which one is correct?

- 1) She speak Arabic clearly yesterday in class. 2) They went yesterday to cinema.
3) Are there lots of cars in the street? 4) The baby very loudly laughed.

50. Which one is correct?

- 1) I play every day the piano. 2) My friend takes photographs.
3) She now is teaching English. 4) She had in the class last year two close friend.

٨٥٪ تست‌های تثبیت - سطح متوسط

51. He's starting to get _____ grey _____ now.

- 1) _ - hair 2) a few - hair 3) _ - hairs 4) a few - hairs

52. Could I have a _____ of chocolate and a _____ of jam?

- 1) bar - jar 2) jar - bar 3) slice - piece 4) picce - slice

53. There is plenty of _____ in the boat for your _____.

- 1) room - luggages 2) rooms - luggages 3) luggages - rooms 4) room - luggage

54. People should have more _____ over the decisions that affect their _____.

- 1) powers - lives 2) power - lifes 3) power - lives 4) powers - lifes

55. Which one is grammatically WRONG?

- 1) You can't watch TV until you've done your homework.
2) My science teacher always sets a lot of homeworks.
3) She stayed late to complete a class assignment.
4) I have a lot of reading assignments to complete before the end of the term.

56. Modern cars differ from the early ones in _____ ways, for example one of them _____ speed.

- 1) many - are 2) a lot - is 3) many - is 4) a lot - are

57. A lot of _____ are needed at schools, so we should buy lots of _____.

- 1) computer - computer 2) computers - computers
3) computer - computers 4) computers - computer

58. I _____ Mr. Jabari because he speaks so fast.

- 1) never will understand 2) never understood
3) have never understood 4) have never understand

59. The written form of the number "69" is _____.

- 1) sixty-nine 2) sixty nine 3) sixty and nine 4) sixteen-nine

جلسه اول (واژگان ۵ ستاره) ****

<p>1. besides (<i>adv.</i>) / (<i>prep.</i>)</p> <p>علاوه بر، در کنار</p> <p>syn in addition to, also</p> <p>She wants to learn other languages besides English and French.</p> <p>او می‌خواهد علاوه بر انگلیسی و فرانسوی، زبان‌های دیگر را یاد بگیرد.</p>	
<p>2. tongue (<i>n.</i>)</p> <p>زبان</p> <p>The first language that you learn is your mother tongue.</p> <p>اولین زبانی که یاد می‌گیرید زبان مادری شماست.</p>	
<p>3. experience (<i>n.</i>), (<i>v.</i>)</p> <p>تجربه / تجربه کردن</p> <p>The best way to learn is by experience.</p> <p>بهترین راه یادگیری از طریق کسب تجربه است.</p>	
<p>4. absolutely (<i>adv.</i>)</p> <p>قطعا / حتما / كاملاً</p> <p>syn certainly, completely</p> <p>My favorite language is absolutely my mother tongue.</p> <p>قطعا زبان مورد علاقه من، زبان مادری‌ام است.</p>	
<p>5. fluently (<i>adv.</i>)</p> <p>به‌طور روان، سلیس</p> <p>My brother can speak French fluently.</p> <p>برادرم می‌تواند فرانسوی را سلیس صحبت کند.</p>	
<p>6. honest (<i>adj.</i>)</p> <p>صادق، راستگو</p> <p>syn truthful / honesty (<i>n.</i>) صداقت / honestly (<i>adv.</i>) صادقانه</p> <p>To be honest, you look fat in this dress.</p> <p>صادقانه بگویم، تو در این لباس چاق به نظر می‌رسی.</p>	
<p>7. point (<i>n.</i>)</p> <p>نقطه / نقطه / امتیاز</p> <p>point of view دیدگاه، نقطه نظر.</p> <p>syn paint رنگ</p> <p>That's a very interesting point.</p> <p>آن نقطه‌ای بسیار جالب است.</p>	
<p>8. region (<i>n.</i>)</p> <p>ناحیه، منطقه</p> <p>syn area / farming regions نواحی کشاورزی</p> <p>In winter, birds fly to southern region of the country.</p> <p>در زمستان، پرندوها به ناحیه جنوبی کشور پرواز می‌کنند.</p>	
<p>9. continent (<i>n.</i>)</p> <p>قاره</p> <p>continental (<i>adj.</i>) اقلیمی / قاره‌ای</p> <p>Asia is the largest continent of the world.</p> <p>آسیا بزرگترین قاره دنیاست.</p>	

<p>10. exist (v.) وجود داشتن</p> <p>existence هستی، وجود syn live / ant exit خروج There is no sign that life exists on other planets. هیچ نشانه‌ای از وجود زندگی در سیاره‌های دیگر وجود ندارد.</p>	
<p>11. popular (adj.) محبوب</p> <p>popularity (n.) موسیقی پاپ / محبوبیت، شهرت syn favorite / This artist is quite popular among young people. این هنرمند در میان جوانان کاملاً محبوب است.</p>	
<p>12. native (adj.) بومی، محلی / مادری</p> <p>syn domestic They want to return to their native land, آن‌ها می‌خواهند به سرزمین مادری خود بازگردند.</p>	
<p>13. range (v.) (n.) تغییر کردن، متغیر بودن / محدوده، طیف</p> <p>syn vary In this shop, prices range from 10 to 50 dollars. در این فروشگاه قیمت‌ها از ۱۰ تا ۵۰ دلار متغیرند.</p>	
<p>14. meet the needs of برآورده کردن نیازها</p> <p>Scientists say that by 2050, wind power can meet the needs of the world. دانشمندان می‌گویند تا سال ۲۰۵۰ انرژی باد می‌تواند نیازهای جهان را برآورده کند.</p>	
<p>15. imagine (v.) تصور کردن، خیال کردن</p> <p>imagination (n.) قابل تصور (adj.) / تصور (n.) syn think of It is impossible to imagine the world without language. تصور کردن جهان بدون زبان غیرممکن است.</p>	
<p>16. percent (n.) درصد</p> <p>percentage (n.) درصد، نسبت More than 80 percent of people have access to the internet. بیش از ۸۰ درصد از افراد به اینترنت دسترسی دارند.</p>	
<p>17. by means of (prep.) به وسیله</p> <p>means (n.) روش، وسیله People can communicate with each other by means of internet. مردم می‌توانند به وسیله اینترنت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.</p>	
<p>18. century (n.) قرن</p> <p>Our century is the time of technology. قرن ما، عصر تکنولوژی است.</p>	
<p>19. society (n.) جامعه</p> <p>Family is the basis of the society. خانواده، اساس جامعه است.</p>	

این تست‌ها به شما کمک می‌کنند که هرچه بیشتر در زمینه کلوزتست به تسلط برسید. سطح تست‌های این بخش بالاتر از سطح تست‌های آموزشی - یادگیری است.

CLOZE 3

An endangered language is one that is likely to become extinct in the near future. (341) languages are failing out of use and being replaced by others that are more widely used in the (342) or nation, such as English in the U.S. or Spanish in Mexico. An endangered or moribund language is a language that is at risk of falling out of use as its speakers die out or shift to speaking another language. Language loss occurs when the language has no more (343) speakers and becomes a "dead language. Languages will become extinct when their last speaker (344). For example (345) North American groups are under pressure to give up their native languages and use English instead.

- | | | | |
|------------------|--------------|---------------|-------------|
| 341. 1) Some | 2) Few | 3) A | 4) Many |
| 342. 1) region | 2) neighbor | 3) belief | 4) piece |
| 343. 1) powerful | 2) countable | 3) native | 4) specific |
| 344. 1) dies | 2) picks | 3) sings | 4) circles |
| 345. 1) native | 2) available | 3) endangered | 4) possible |

CLOZE 4

There is a set of beliefs one can believe in, but most would be nearly as useless as having no belief system at all. Belief is the state of (346) in which a person thinks something to be the case, with or without there being empirical evidence to prove that something is the case with factual certainty. These systems attempt to also (347) and understand. Belief systems can be classified into two basic parts: (348) and religion. Science is (349) belief system which aims to minimize faith. Religion, on the other hand, is a belief system based completely on faith. No scientific belief being held can be said to be (350) true. Both science and religion try to explain things and they are necessary for life.

- | | | | |
|-------------------|------------|----------------|----------------|
| 346. 1) mind | 2) link | 3) context | 4) number |
| 347. 1) interview | 2) seek | 3) communicate | 4) explain |
| 348. 1) space | 2) science | 3) society | 4) language |
| 349. 1) a | 2) an | 3) a few | 4) a little |
| 350. 1) despite | 2) besides | 3) absolutely | 4) fortunately |

CLOZE 5

Helen Keller was born (351). She learned to talk at an early age of 6 months. She walked when she was one year old. Her mother (352) that she could neither hear or see. She was blind and (353) for the rest of her life. When she was young, she and a playmate (354) a sign language of about 60 signs so that they could 'talk' to each other. When Helen was 75, she took a trip all over Asia talking about what people with problems like hers could do and encouraging them not to (355). She had received many awards for her hard work for those people who were blind or deaf or had other handicaps.

- | | | | |
|---------------------------------------|----------------------------------|--------------|------------|
| 351. 1) in Tuscumbia, Alabama in 1880 | 2) in 1880 in Tuscumbia, Alabama | | |
| 3) on 1880 in Tuscumbia, Alabama | 4) on Tuscumbia, Alabama in 1880 | | |
| 352. 1) ordered | 2) kept off | 3) noticed | 4) varied |
| 353. 1) deaf | 2) native | 3) foreigner | 4) similar |
| 354. 1) exchanged | 2) exercised | 3) respected | 4) made up |
| 355. 1) explain | 2) look for | 3) turn off | 4) give up |

Arabic remains the predominant language of learned religious discourse. But for the last 50 years English is the second language of country.

Since in the last 35 years the number of foreigners visiting the country was very low, English translating was not necessary. Therefore it's hard to find English translation on tickets or brochures. You may encounter very funny English translations especially in smaller towns.

387. Main idea of this text is _____.

- 1) Iran as a tourism destination
- 2) English language
- 3) changes of second language in Iran
- 4) past of Iran

388. The passage is primarily intended to _____.

- 1) introduce a finding
- 2) inform
- 3) make a suggestion
- 4) provide advice

389. What was the second official language of Iran in 20th century?

- 1) Persian
- 2) French
- 3) English
- 4) French and English

390. Sentence "All the people of about the same age within a society or within a particular family." is the definition of _____ in the passage.

- 1) generation
- 2) encounter
- 3) brochure
- 4) pronunciation

۱۰۰٪ تست‌های تسلط - سطح پیشرفته

READING 6

More than half of what we communicate is communicated not through words but through body language. This include our posture, facial expressions, and gestures. Because body language is so important, you will want to know what yours is saying and how to interpret other people's, too. Here are some examples of body language and its meaning. If your posture is slumped and your head is down, this could mean that you are sad or you are not confident enough. If your posture is straight but relaxed, you are expressing confidence and friendliness. A smile is a sign of friendliness and interest. But people sometimes smile just to be polite. To get another due from people's faces, notice their eyes. Friendliness and interest are expressed when a person eyes meet yours (especially when you're the one who's talking) and then look away and meet yours again. A person who doesn't look away is expressing lack of interest or is shy.

Hand gestures can mean a person is interested in the conversation. But repeated movements- like tapping a pencil or tapping a foot often mean the person is either impatient or nervous. Stay away from someone who points at you while talking with you: That person might be angry at you or feel superior to you.

391. If you want to show someone that you're interested, you should _____.

- 1) look away from the person
- 2) look at the person but not for too long
- 3) continue to look at the person without stopping
- 4) stay away from the person's eyes

392. The best title for the passage would be _____.

- 1) Facial expression
- 2) Communication
- 3) Eye contact
- 4) Body Language

393. The underlined word "this" in line 4 refers to _____.

- 1) a slumped posture
- 2) sadness
- 3) mysteries of your head
- 4) a straight posture



PART A Grammar and Vocabulary

1. The money they asked for in return for the company's services was eight dollars. انسانی ۹۸
 1) million 2) millions 3) millions of 4) million of
2. A particular area part in a country or in the world is called a زبان ۸۷ با تغییر
 1) religion 2) region 3) parking lot 4) space
3. It's going to be hard competition, but I'm physically and prepared for it. ریاضی ۹۰ با تغییر
 1) mentally 2) simply 3) really 4) nearly
4. Students should set a time aside to do their homework. تجربین ۹۰ با تغییر
 1) simple 2) smart 3) specific 4) ready
5. Writing In a private journal helps students overcome their fears of writing in a second language. زبان ۹۳ با تغییر
 1) calmly 2) emotionally 3) frequently 4) impossibly
6. Reza is not happy with his income, so he is a new job in a large city هنر ۹۴
 1) turning on 2) turning up 3) looking for 4) looking after
7. We were getting late to the airport, but for us, the plane was delay. سراسری ۹۴ با تغییر
 1) luckily 2) absolutely 3) fluently 4) certainly
8. Here in Paris, as well as just about everywhere these days, it's possible to pay for everything with a credit card or a phone. ریاضی ۹۷
 1) similarly 2) efficiently 3) softly 4) nearly
9. The police officer told the wrongdoer to try to be as as possible when answering the questions. زبان ۹۷
 1) actual 2) honest 3) public 4) entire
10. The education offered beyond high school, especially at a college or university, is technically known as education. ریاضی ۹۸
 1) higher 2) creative 3) advanced 4) intermediate
11. If you just the great number of people who are leaving our town in research for a job somewhere else, you may rightly conclude that our town has no future. تجربین ۹۸
 1) consider 2) suggest 3) suppose 4) expect
12. There was a large on the wall saying "No Parking". هنر ۹۸
 1) plan 2) space 3) notice 4) abbreviation

PART B Cloze Test

① A lot of students are not (13) aware of the initial difficulties of living in a new country. When you live in a foreign country, you do not spend your time in cafes or looking at the artistic or natural heritage. You have to make friends. And (14) you have to speak the language. If you don't, you find yourself in need of help from others to do (15) the simplest tasks – post a letter, make a bank transfer, get a work permit, pay a bill etc, It can (16) at times, especially when you have to (17) yourself in the simplest terms as you haven't yet learned the language. تجربین ۹۷ با تغییر

- ۲ اگر دو اسم مصدر در جایگاه فاعل جمله باشند، فعل بعد از آن‌ها به شکل جمع می‌آید. (در مثال ۲۵ بعد از اسم مصدرهای cycling و jogging، فعل به شکل جمع (are) به کار رفته است.)
- ۱ گاهی اوقات بعد از اسم مصدر یک اسم به کار می‌رود. (در مثال ۲۶ بعد از اسم مصدر finding، اسم (job) به کار رفته است.)

اسم مصدر به عنوان مفعول جمله

بعد از برخی از افعال اسم مصدر می‌آید و چاره‌ای جز حفظ کردن آن‌ها نیست. تعدادی از افعال در جدول زیر آمده است:

enjoy	لذت بردن	finish	تمام کردن
miss	دل‌تنگ شدن / از دست دادن	imagine	تصور کردن
keep on	ادامه دادن	practice	تمرین کردن
quit	تسلیم شدن، دست کشیدن	love	دوست داشتن
avoid	خودداری کردن	dislike	دوست نداشتن
risk	خطر کردن	mind	اهمیت دادن
deny	انکار کردن	suggest	پیشنهاد دادن

27 I love playing football.

من فوتبال بازی کردن را دوست دارم.

اسم مصدر بعد از حروف اضافه

بعد از حروف اضافه مثل «without, with, in, or, for, about, against...» اسم مصدر می‌آید.

28 I'm tired of washing the dishes.

من از شستن ظرف‌ها خسته هستم.

اسم مصدر + No

در اعلامیه‌ها و تابلوها، اغلب اوقات از ساختار «اسم مصدر + No» استفاده می‌کنند تا نشان دهند عملی ممنوع است.

No fishing
No smoking
No parking

ماهی‌گیری ممنوع
سیگار کشیدن ممنوع
پارک کردن ممنوع

اسم مصدر + go

ما معمولاً از ساختار «اسم مصدر + go» برای صحبت از فعالیت‌های تفریحی و ورزشی استفاده می‌کنیم:

Go fishing
Go swimming

به ماهی‌گیری رفتن
به شنا رفتن



نکته

اسم مصدر در جمله نقش می‌گیرد (به عنوان اسم عمل می‌کند): در حالی که زمان استمراری، زمان جمله را نشان می‌دهد. به این دو مثال دقت کنید:

29 Saeid is cycling in the park now.

سعید الان در حال دوچرخه‌سواری در پارک است.

30 Saeid enjoys cycling.

سعید از دوچرخه‌سواری لذت می‌برد.

در مثال ۲۹، cycling زمان جمله را نشان می‌دهد.

در مثال ۳۰، cycling نقش اسم مصدر دارد.

تست‌های آموزشی

5. Travelling by train cheap and safe.

- 1) is 2) were 3) are 4) have

پاسخ: ۲ ترجمه: سفر با قطار ارزان و امن است.

توضیح: جمله با اسم مصدر شروع شده است، بنابراین فعل بعد از آن باید به شکل مفرد باشد. در بین گزینه‌ها، تنها فعل is در فرم مفرد است.

6. I would like go with my friends.

- 1) sail 2) sailed 3) to sail 4) sailing



پاسخ: ۱ ۲ ۳ ۴ ترجمه: «می‌خواهم با دوستانم به قایقرانی بروم.»

توضیح: بعد از go, فعل‌های تفریحی و ورزشی به شکل اسم مصدر می‌آیند. به همین سادگی گزینه ۴ را انتخاب می‌کنیم.

7. Has she finished her homework?

- 1) do
- 2) doing
- 3) did
- 4) to do

پاسخ: ۱ ۲ ۳ ۴ ترجمه: «آیا او تکالیفش را تمام کرده است؟»

توضیح: پیش از این توضیح دادیم که بعد از افعالی مثل finish, فعل دوم به شکل اسم مصدر می‌آید. بدون معطلی گزینه ۲ را انتخاب کنید.

8. Alice is interested in tennis.

- 1) playing
- 2) played
- 3) plays
- 4) to play

پاسخ: ۱ ۲ ۳ ۴ ترجمه: «الیس به بازی تنیس علاقه‌مند است.»

توضیح: بعد از حروف اضافه مثل «at, on, in,...» فعل به شکل اسم مصدر می‌آید. جواب این تست گزینه ۱ است.

تست‌های گرامر



۶۰٪ تست‌های آموزشی - سطح ساده

1. My brother to the dentist six times since last summer.

- 1) will go
- 2) go
- 3) has gone
- 4) is going

2. A: "Has anybody called today?"

B: "The telephone has not rung I came."

- 1) before
- 2) for
- 3) since
- 4) until

3. A: "Do you like Dr. Noorbakhsh's new book?"

B: "Yes, it's the best book he"

- 1) is ever writing
- 2) has ever written
- 3) was ever writing
- 4) had ever writing

4. No one from him for the past six months.

- 1) have hear
- 2) has heard
- 3) heard
- 4) hears

5. guitar is his favorite hobby.

- 1) Playing
- 2) Played
- 3) Plays
- 4) A playing

6. The tourists have given up for better weather.

- 1) looked
- 2) look
- 3) looking
- 4) to look

7. After lunch, he went

- 1) to bike
- 2) biked
- 3) bike
- 4) biking

8. Alice isn't interested in for a new job.

- 1) look
- 2) looking
- 3) to look
- 4) looked

9. A: "How long have you been here?"

B: "..... I was born."

- 1) Since
- 2) Until
- 3) When
- 4) While

10. How many times a week English so far?

- 1) did you have
- 2) do you have
- 3) have you had
- 4) you have had

11. Since they the football game to Germany last year, they have won all the other games easily.

- 1) lose
- 2) were losing
- 3) lost
- 4) had lost

12. He three jobs since he started work five years ago.

- 1) was having
- 2) has had
- 3) is having
- 4) has

13. A: "I wonder how Ali's trip was."

B: "I don't know. I haven't seen him"

- 1) since he arrived
- 2) for he arrived
- 3) when he arrived
- 4) by the time he arrived

آموزش مهارت‌های درک مطلب



مهارت ۲: Skimming

skimming یا همان سطحی خواندن، (روزنامه‌وار خواندن)، تکنیکی است که با استفاده از آن می‌توانیم موضوع (topic) و ایده اصلی متن (main idea) را پیدا کنیم. تکنیک skimming را قبل از خواندن کامل و دقیق متن به کار می‌بریم تا متن را بهتر درک و بتوانیم پیش‌بینی کنیم و یا حدس بزنیم که آن متن درباره چیست؟

مراحل Skimming

- ۱ متن را سریع بخوانید.
- ۲ احتیاجی به خواندن همه کلمه‌ها نیست.
- ۳ جزئیات مهم نیستند.
- ۴ برای پیدا کردن ایده اصلی یک پاراگراف، خط اول و آخر را با دقت بخوانید.

تیب سؤال‌ها:

سوالاتی که درباره ایده اصلی متن است را می‌توان با استفاده از مهارت skimming پاسخ داد. در ادامه تیب ظاهری این سؤالات را آورده‌ایم.

What is the **main topic** of the passage/ paragraph?
موضوع اصلی متن / پاراگراف چیست؟

The **main topic** of the passage/ paragraph is
موضوع اصلی متن / پاراگراف درباره است.

What is the **main idea** of the passage/ paragraph?
موضوع اصلی متن / پاراگراف چیست؟

What is author's/ writer's **main point** in the passage?
هدف اصلی نویسنده در این متن چیست؟

What does the passage **mainly discuss**?
اساساً متن در مورد چه چیزی صحبت می‌کند؟

The passage is **mainly about**
اساساً متن درباره این است

تست آموزشی:

Dolphins are highly social animals, often living in pods of up to a dozen individuals, though pod sizes and structures vary greatly between species and locations. In places with a high abundance of food, pods can go together temporarily, forming a super pod; such groupings may go beyond 1,000 dolphins. Membership in pods is not rigid; interchange is common. Dolphins can, however, have strong social relations; they will stay with injured or ill individuals, even helping them to breathe by bringing them to the surface if needed. **This altruism does not appear to be limited to their own species.**

The dolphin Moko in New Zealand has been observed guiding a female Pygmy Sperm Whale together with her baby out of shallow water where they had stranded several times. They have also been seen protecting swimmers from sharks by swimming circles around the swimmers or attacking the sharks to make them go away.

(سراسری ۹۶ با تغییر)

1. What is the main idea of the paragraph 1?

- | | |
|---------------------------------|--------------------------------|
| 1) Dolphins: Highly Intelligent | 2) Humans and Dolphins |
| 3) The Most Playful Animal | 4) Social Behavior of Dolphins |

1. 1 1 1 1 1

• **توضیح:** چون در این تست باید ایده اصلی پاراگراف اول را پیدا کنیم، خط اول و آخر این پاراگراف را با دقت می‌خوانیم. به جمله ی اول این متن دقت کنید:

Dolphins are highly social animals, often living in pods of up to a dozen individuals, though pod sizes and structures vary greatly between species and locations.

شاید در ابتدا از کلمه‌های سخت ترسیده باشید و فکر کنید که تست سختی است؛ با این حال بر خلاف ظاهر ترسناکش تست ساده‌ای است. با توجه به جمله‌های ابتدایی در پاراگراف اول می‌فهمیم که دلفین‌ها حیوانات اجتماعی هستند و همین نکته در گزینه F آمده است.



مهرماه

Lesson 2

۱۲۳

A Healthy Lifestyle

۱۰۶. ۱ ۲ ۳ ۴

کدام جمله از نظر گرامری نادرست است؟
به جای since باید for می‌آید.

۱۰۷. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
کدام جمله از نظر گرامری نادرست است؟
باید از مصدر با to به جای اسم مصدر استفاده می‌کردیم.

۱۰۸. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
کدام جمله از نظر گرامری نادرست است؟
بعد از since باید گذشته ساده بیاید.

۱۰۹. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
کدام جمله از نظر گرامری نادرست است؟
بدون توضیح اضافه.

۱۱۰. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
کدام جمله از نظر گرامری نادرست است؟
باید به جای gotten از got استفاده می‌شد.

واژگان

۱۱۱. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«مذهب ما از انجام هر کار خطایی منع کرده است.»

(۱) مخالفت کردن (۲) تمرین کردن

(۳) تأکید کردن (۴) جلوگیری کردن، ممانعت کردن

۱۱۲. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«من در طول مراسم ازدواج کاملاً احساساتی شدم.»

(۱) متعادل (۲) احساسی

(۳) افسرده (۴) فیزیکی

۱۱۳. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«یک رژیم غذایی سالم باید تمام ویتامین‌های
ضروری شما را فراهم کند.»

(۱) پروتئین (۲) حمله

(۳) رژیم غذایی (۴) مزه

۱۱۴. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«الگوی زندگی خانوادگی در سال‌های اخیر تغییر
یافته است.»

(۱) اخیر (۲) خسته

(۳) ضروری (۴) خطرناک

۱۱۵. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«ورزش و کم کردن وزن می‌تواند فشار خون شما
را کاهش دهد و کمک کند بیشتر احساس نشاط [انرژی] کنید.»

(۱) بیماری (۲) حقیقت

(۳) وزن (۴) فشار

۱۱۶. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«یک رژیم غذایی متعادل شامل مقدار زیادی میوه
و سبزیجات سبز است.»

(۱) متعادل (۲) فیزیکی

(۳) ذهنی (۴) مضر

۱۱۷. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«توجه کردن به غذایمان برای سلامت فیزیکی
ما ضروری است.»

(۱) زشت (۲) فیزیکی

(۳) ارزشمند (۴) مثبت

۱۱۸. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«ما باید از پوستمان در مقابل اثرات مضر آفتاب
[خورشید] محافظت کنیم.»

(۱) مضر (۲) متعادل

(۳) احساسی (۴) راز

۱۱۹. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«من عادت کرده‌ام به محض رسیدن به خانه
تلویزیون را روشن کنم.»

(۱) عادت (۲) سهم

(۳) تجربه (۴) احساس

۱۲۰. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«این کتاب شامل اطلاعاتی درباره انواع گسترده‌ای
از موضوعات است.»

(۱) حضور یافتن (۲) اثر گذاشتن

(۳) شامل شدن (۴) صدمه زدن

۱۲۱. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«آن‌ها نسبت به من خیلی صمیمی بودند؛ هر چند
من آن‌ها را فقط یک بار دیده بودم.»

(۱) برخلاف (۲) از طریق

(۳) به وسیله (۴) به طرف، نسبت به

۱۲۲. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«تعداد زیادی از مردم در زمستان، وقتی هوا بد
است و مقدار کمی نور آفتاب وجود دارد، افسرده می‌شوند.»

(۱) غیر ممکن (۲) افسرده

(۳) جویی (۴) احساسی

۱۲۳. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«احتمالاً، شما کاوه را در سالن بلیارد پیدا
خواهید کرد، او اغلب آن‌جا وقت می‌گذراند.»

(۱) وقت گذراندن (۲) مطمئن شدن

(۳) مربوط شدن به (۴) پیاده‌روی کردن

۱۲۴. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«واحد استاندارد برای اندازه‌گیری طول متر است.»

(۱) بحث کردن (۲) اندازه گرفتن

(۳) بهبود بخشیدن (۴) بازنشسته کردن

۱۲۵. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«یک فرد سیگاری نسبت به فرد غیرسیگاری دو
یا سه برابر [بیشتر] در معرض خطر حمله قلبی است.»

(۱) هله‌هوله (۲) ضریب قلب

(۳) شرایط (۴) حمله قلبی

۱۲۶. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«اعتیاد او به اینترنت، [شرایط] او را برای داشتن
یک زندگی اجتماعی دشوار کرد.»

(۱) استرس (۲) شرایط

(۳) اعتیاد (۴) دلیل

۱۲۷. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«رابطه او با پدرش خوب نیست؛ اما با مادرش
خیلی صمیمی است.»

(۱) وزن (۲) اثر

(۳) خواریار (۴) رابطه

۱۲۸. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«۳ تا ۵ وعده غذایی برای اجذب شش تا ده
گرم پروتئین خالص پیشنهاد شده است.»

(۱) عادات (۲) بحث‌ها

(۳) وعده‌ها، برس‌ها (۴) خطرات

۱۲۹. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
«متأسفانه، من یک مبلغ خوب برای رژیم غذایی
نیستم. در واقع اضافه وزن پیدا کرده‌ام.»

(۱) عنوان (۲) وزن

(۳) رژیم (۴) خطر



2



پاورتست

۱۴۴

انگلیسی ۲



مهرماه



۱۳۰. «ضربان قلب کودک تقریباً دو برابر سریع‌تر از بزرگسالان است.»

(۱) حمله قلبی (۲) اورژانس

(۳) توجه (۴) ضربان قلب

۱۳۱. «هر وقت که در کلاس‌های بعد از ظهر شرکت می‌کنم، کمی احساس خواب‌لودگی می‌کنم.»

(۱) حضور یافتن، شرکت کردن

(۲) برجسب زدن

(۳) شکل دادن

(۴) محافظت کردن

۱۳۲. «بیشتر ورزش کنید و کم‌تر بخورید، این راز یک سبک زندگی سالم است.»

(۱) سالم (۲) مشهور

(۳) در دسترس (۴) مثبت

۱۳۳. «او با خواندن زمان در تمام اوقات از حقیقت فرار می‌کرد.»

(۱) خطا (۲) تجربه

(۳) تصور (۴) واقعیت

۱۳۴. «با این‌که من برای او انواع دلایل و مدارک را آوردم، هنوز مخالفت می‌کرد.»

(۱) به وجود آوردن (۲) پیوستن

(۳) درمان کردن (۴) مخالفت کردن

۱۳۵. «مقدار آب‌شهر در دو سال گذشته کاهش یافته است.»

(۱) جلوگیری کردن (۲) ملحق شدن

(۳) کاهش یافتن، کم کردن (۴) بازنشسته شدن

۱۳۶. «تحصیل و آموزش مؤثرترین ابزار معرفی فرهنگ یک ملت است.»

(۱) لایه‌ها (۲) نتایج

(۳) وسیله، شیوه، ابزار (۴) اثرات

۱۳۷. «پزشکان هر کاری که می‌توانستند کردند تا شرایط او بهبود یابد.»

(۱) حمله (۲) قلب

(۳) عادت (۴) شرایط

۱۳۸. «بهترین روش بهبود بخشیدن زبان انگلیسی این است که مدتی را در یک کشور انگلیسی‌زبان بگذرانید.»

(۱) تشخیص دادن (۲) بهبود بخشیدن

(۳) عجله داشتن (۴) اندازه گرفتن

۱۳۹. «اگر می‌خواهیم تحصیلات خود را در دانشگاه ادامه دهیم برای ما ضروری است که انگلیسی را به‌طور کامل یاد بگیریم.»

(۱) ضروری (۲) افسرده

(۳) تفریحی (۴) مضر

۱۴۰. «آن‌ها به خاطر تاریخ باستانی و طبیعت شگفت‌انگیزشان [افوق‌العاده] مشهور هستند.»

(۱) مأموریت (۲) کوه

(۳) تاریخ (۴) شرایط

۱۴۱. «یک نگرانی کلی در مورد آلودگی محیط وجود دارد.»

(۱) افسرده (۲) خانگی

(۳) کلی (۴) شایسته، ارزشمند

۱۴۲. «والدینی که از کیفیت تحصیل در ساختارهای مدارس قدیمی ناامید اناراضی هستند، تصمیم دارند به بچه‌های خود در خانه آموزش دهند.»

(۱) تحصیل (۲) تجربه

(۳) تجارت (۴) مقدار

۱۴۳. «من در کل ترجیح می‌دهم در خانه بمانم و به جای فوتبال بازی کردن تکالیفم را انجام دهم.»

(۱) صدمه زدن (۲) رفتار کردن

(۳) مزه کردن (۴) ترجیح دادن

۱۴۴. «چیزهای خاصی وجود دارد که من نمی‌توانم با مادرم [درباره آن‌ها] صحبت کنم.»

(۱) جدید (۲) متعادل

(۳) صاف (۴) خاص، مشخص، حتمی

۱۴۵. «علاوه بر کارهای آموزشی، دانش‌آموزان باید زمان برای استراحت و فعالیت‌های فرهنگی داشته باشند.»

(۱) فرهنگی (۲) احساسی

(۳) ضروری (۴) مهم

۱۴۶. «لازم نیست عجله کنید. ما وقت زیادی داریم.»

(۱) به دست آوردن (۲) عجله کردن

(۳) ممنوع کردن (۴) تأثیر گذاشتن

۱۴۷. «وقتی در وانشگتن زندگی می‌کردم، هر صبح در امتداد رودخانه آهسته می‌دویدم.»

(۱) اندازه گرفتن (۲) دعا کردن

(۳) آهسته دویدن (۴) نگران بودن

۱۴۸. «کار با رایانه و موبایل، عادت‌ها و سبک‌های زندگی افراد را تغییر داده است.»

(۱) مقادیر (۲) سبک‌های زندگی

(۳) تصاویر (۴) معجزات

۱۴۹. «تعدادی از ورزشگاه‌ها به خاطر بی‌نظمی جمعیت بسته شدند.»

(۱) تحقیق (۲) سهم

(۳) اختلال، بی‌نظمی (۴) مأموریت

۱۵۰. «ما می‌توانستیم صدای خنده را که از اتاق کناری می‌آمد بشنویم.»

(۱) خنده (۲) خطر

(۳) عادت (۴) اعتیاد

۱۵۱. «به چیزی که او می‌گوید توجه کنید. آن را دوباره تکرار نخواهد کرد.»

(۱) سهم (۲) توجه

(۳) خدمت (۴) اختلال

۱۵۲. «گروهی از افراد که تحت تأثیر سبک پیکاسو بودند، هفته قبل یک جلسه ملاقات داشتند.»



جمله‌های شرطی

به جمله‌هایی که انجام کاری را مشروط به انجام کاری دیگر می‌کنند، جمله‌های شرطی می‌گویند. مثلاً جمله «اگر هوا خوب باشد، به پیاده‌روی خواهیم رفت» یک جمله شرطی است، زیرا بیرون رفتن مشروط به خوب بودن هوا است. هر جمله شرطی از دو قسمت تشکیل شده است:

◀ جمله شرط

◀ جواب شرط

به جمله‌ای که با *if* به کار می‌رود، جمله شرط می‌گویند و به جمله‌ای که در پاسخ جمله شرط به کار می‌رود جواب شرط می‌گویند.

1 If I go there, I will see him.

جمله شرط جواب شرط

اگر آن‌جا بروم، او را خواهم دید.

به‌طور کلی سه نوع جمله شرطی داریم، اما در این درس شما فقط با جمله شرطی نوع اول آشنا خواهید شد.

جمله شرطی نوع اول

جمله شرطی نوع اول برای بیان یک شرط یا موقعیت ممکن و یا یک نتیجه محتمل در آینده استفاده می‌شود. به این مثال دقت کنید:

2 If I ask him, he will do it for me.

اگر از او بخواهم، آن را برایم انجام خواهد داد.

◀ در این مثال، «خواستن از او» یک موقعیت ممکن و «انجام دادن کار» از طرف او یک نتیجه محتمل است که می‌تواند اتفاق بیفتد.

ساختار جمله شرطی نوع اول

ادامه جمله + فعل ساده + will + فاعل ، زمان حال ساده + فاعل + If
جواب شرط جمله شرط

حالا این مثال‌ها را به همراه نکات مهم آن‌ها با دقت بخوانید:

3 If we hurry, we will catch the bus.

اگر عجله کنیم، به اتوبوس خواهیم رسید.

4 I'll tell him if I see him.

اگر او را ببینم، به او خواهم گفت.

5 Will you feel happy if your students become successful? اگر دانش‌آموزانت موفق شوند، خوشحال خواهی شد؟

اگر مطالعه نکنم، امتحانم را قبول نخواهم شد.

6 If I don't study, I won't pass my exam.

7 If you've finished with the computer, I'll put it away.

اگر کارتان با رایانه تمام شده است، من آن را جمع خواهم کرد.

8 If you want to lose weight, you should eat less rice.

اگر می‌خواهی وزن کم کنی، باید مقدار کم‌تری برنج بخوری.

نکته

1 می‌توانیم جای «جمله شرط» را با «جواب شرط» عوض کنیم بدون این‌که تغییری در معنا حاصل شود، در این حالت فقط باید کامای (,) بین دو جمله حذف شود (مثال ۴)

2 برای سؤالی کردن، باید *will* را به ابتدای جمله بیاوریم. (مثال ۵)

3 می‌توانیم هم جمله شرط و هم جواب شرط را منفی کنیم (مثال ۶)

4 در «جمله شرط» علاوه بر زمان حال ساده، می‌توانیم از انواع دیگر زمان حال (استمراری و کامل) استفاده کنیم (مثال ۷)

5 در «جواب شرط» می‌توانیم به جای *will* از سایر افعال کمکی (*must, might, may, can*) استفاده کنیم (مثال ۸)

تست‌های آموزشی

1. If they the examination, they'll be very happy.

- 1) will pass 2) would pass 3) pass 4) passed

• پاسخ: 1 ترجمه: «اگر آن‌ها در امتحان قبول شوند، خیلی خوشحال خواهند شد.»

• توضیح: در بخش جواب شرط، زمان آینده (II) به کار رفته است؛ بنابراین با جمله شرطی نوع اول سر و کار داریم. در جمله شرطی نوع اول در جمله شرط باید زمان حال ساده به کار ببریم. از بین گزینه‌ها، فقط گزینه «۳» زمان حال ساده است.

2. If it rains this evening, I out.

- 1) don't go 2) didn't go 3) won't go 4) wouldn't go



● پاسخ: ۱) ۲) ۳) ۴) ترجمه: «اگر عصر باران بیارد، بیرون نخواهم رفت.»

● توضیح: در جمله شرط زمان ساده (rains) به کار رفته است و به همین دلیل با جمله شرطی نوع اول سروکار داریم. در بخش جواب شرط باید زمان آینده ساده به کار رود و با توجه به مفهوم منفی جمله، باید منفی باشد. حالا انتخاب گزینه ۳ کار ساده‌ای است.

صفت‌های مفعولی

صفت‌های مفعولی پذیرنده یک حالت هستند و با اضافه کردن ed یا d به انتهای فعل ساخته می‌شوند. در واقع این صفت‌ها همان قسمت سوم فعل یا (p.p.) هستند. این صفت‌ها معمولاً حالت یک فرد را توصیف می‌کنند.

9 The children are **frightened**.

صفت مفعولی

بچه‌ها ترسیده‌اند.

10 We were all **surprised**.

صفت مفعولی

همه ما شگفت‌زده شدیم.

صفت‌های فاعلی

صفت‌های فاعلی ایجادکننده یک حالت هستند و معمولاً حالت یک موضوع یا شیء را توصیف می‌کنند و با اضافه کردن ing به انتهای فعل ساخته می‌شوند.

11 The film is **frightening**.

صفت فاعلی

این فیلم ترسناک است.

12 The news was **surprising**.

صفت فاعلی

خبر شگفت‌انگیز بود.



نکته

در کتاب درسی شما صحبتی از صفت‌های فاعلی نشده است؛ اما باید با این صفت‌ها هم آشنا شوید. در این جدول سعی کرده‌ایم مهم‌ترین صفت‌های فاعلی و مفعولی را بیاوریم، توصیه می‌کنیم چندین بار آن را مطالعه کنید.

صفت فاعلی		صفت مفعولی	
amusing	سرگرم‌کننده	amused	سرگرم
boring	کسل‌کننده	bored	کسل
confusing	گیج‌کننده	confused	گیج
disappointing	نامیدکننده	disappointed	نامید
embarrassing	خجالت‌آور	embarrassed	خجالت‌زده
exciting	هیجان‌انگیز	excited	هیجان‌زده
frightening	ترسناک	frightened	وحشت‌زده
interesting	جالب	interested	علاقه‌مند
shocking	شوکه‌کننده	shocked	شوکه
surprising	شگفت‌انگیز	surprised	شگفت‌زده
tiring	خسته‌کننده	tired	خسته

جایگاه صفت‌های فاعلی و مفعولی

صفت‌های فاعلی و مفعولی می‌توانند قبل از اسم و بعد از افعال ربطی (to be, become, get, look, seem, feel) به کار روند.

13 I was **confused** because the problem was **confusing**.

to be صفت مفعولی

to be صفت فاعلی

من گیج شدم، چون مسئله گیج‌کننده بود.



نکته

در این مثال، صفت‌های فاعلی و مفعولی بعد از فعل ربطی (to be) آمده‌اند.

جلسه چهارم (واژگان کتاب کار)

106. handshake (n.)	[عمل] دست دادن	
<p>He welcomed me with a wide smile and a warm handshake. او با لبخندی گشاده و با فشردن دستانم به گرمی به من خوش آمد گفت.</p>		
107. bow (v.)	تعظیم کردن	
<p>The actors bowed at the end of the play. بازیگران در پایان نمایش، تعظیم (ادای احترام) کردند.</p>		
108. hug (v.)	بغل کردن، در آغوش گرفتن	
<p>Carla hugged her parents and said goodbye. کارلا والدینش را در آغوش گرفت و خداحافظی کرد.</p>		
109. accept (v.)	پذیرفتن، قبول کردن	
<p>conf except به جز، به غیر از I don't have any cash with me; do you accept credit cards? من پول نقد به همراه خود ندارم. کارت اعتباری قبول می‌کنید؟</p>		
110. lend (v.)	قرض دادن	
<p>I need some money. Could you lend me 10 dollars until next week? من مقداری پول لازم دارم. می‌توانید تا هفته آینده ۱۰ دلار به من قرض بدهید؟</p>		
111. miss (v.)	از دست دادن، نرسیدن به	
<p>If you get up late; you will miss the bus. اگر دیر از خواب بیدار شوی، به اتوبوس نخواهی رسید.</p>		
112. press (v.)	فشردن، فشار آوردن	
<p>Press the button to start the machine. برای راه انداختن ماشین، دکمه را فشار بدهید.</p>		
113. palm (n.)	کف دست	
<p>He showed me the coins in his palm. او سکه‌های کف دستش را به من نشان داد.</p>		
114. common (n.)	رایج، متداول	
<p>It is common in our country to celebrate New Year. در کشور ما جشن گرفتن سال نو رایج است.</p>		
115. element (n.)	عنصر	
<p>Water is composed of the elements hydrogen and oxygen. آب از عناصر هیدروژن و اکسیژن ساخته شده است.</p>		

<p>116. artifact (n.) شیء دست ساز</p>	
<p>Local people wanted a safe place to show family pictures and historical artifacts. مردم محلی یک جای امن خواستند تا عکس‌های خانوادگی و وسایل دست‌ساز تاریخی را نشان دهند.</p>	
<p>117. attitude (n.) نگرش</p>	
<p>A positive attitude is essential if you want to be successful. اگر می‌خواهی موفق شوی، لازم است نگرش مثبتی داشته باشی.</p>	
<p>118. essay (n.) مقاله / انشاء</p>	
<p>We had to write an essay about the environment. ما مجبور بودیم درباره محیط زیست یک انشاء بنویسیم.</p>	
<p>119. step (n.) (v.) قدم، گام / گام برداشتن، قدم زدن</p>	
<p>I stepped to the phone. من به سمت تلفن قدم برداشتم [رفتم].</p>	
<p>120. reflect (on) (v.) فکر کردن درباره / منعکس کردن، بازتاب داشتن</p>	
<p>He had time to reflect on his successes and failures. او وقت داشت درباره موفقیت‌ها و شکست‌هایش فکر کند.</p>	
<p>121. shared (adj.) مشترک</p>	
<p>We talked about our shared experiences of India. ما راجع به تجربیات مشترکمان از هند صحبت کردیم.</p>	
<p>122. greet (v.) احوال پرسی کردن</p>	
<p>He greeted me with a smile. او با لبخندی با من احوالپرسی کرد.</p>	
<p>123. pool (n.) استخر</p>	
<p>They have a pool in their backyard. آن‌ها در حیاط خلوت خود یک استخر دارند.</p>	
<p>124. combination (n.) ترکیب</p>	
<p>combine (v.) ترکیب کردن Water is a combination of hydrogen and oxygen. آب ترکیبی از هیدروژن و اکسیژن است.</p>	
<p>125. advise (v.) نصیحت کردن، توصیه کردن</p>	
<p>His doctor advised him to do more exercise. دکترش به او توصیه کرد که بیشتر ورزش کند.</p>	

281. She wore a dress of crimson _____ to the dinner making her the belle of the ball.
 1) rug 2) silk 3) attitude 4) collection
282. How on earth could they knock down a lovely old building like that and put a car park there _____ ?
 1) nearby 2) quite 3) instead 4) therefore
283. They decided to keep the matter secret from the others and never to _____ it publicly.
 1) advise 2) discuss 3) bow 4) catch
284. There has been a great improvement in his speaking English. I think he _____ a lot.
 1) produces 2) makes 3) practices 4) decides
285. I usually go out with some of my _____ from the office on Saturdays.
 1) arts 2) woods 3) combinations 4) mates
286. If people use their art skills _____ they will be able to communicate with their feelings.
 1) simply 2) nearby 3) instead 4) in a right way
287. Being single means you're strong and patient enough to _____ for someone who deserves your worth!
 1) wait 2) catch 3) decide 4) reflect
288. John Milton is usually thought of as the greatest of all English _____ after Shakespeare.
 1) artists 2) humankind 3) poets 4) diversities
289. Tom continues going to school until he is sixteen, and Maggie goes to a / an _____ girl's school, along with Lucy.
 1) proud 2) skillful 3) ugly 4) nearby
290. The company hasn't yet chosen the _____ for the new hospital.
 1) site 2) art 3) rug 4) carpet
291. Reza is sick and the doctor has _____ him to reduce the amount of fat in his food.
 1) advised 2) attempted 3) meant 4) appreciated
292. Our problems were due to a / an _____ of bad management and lack of experience.
 1) prize 2) charity 3) combination 4) brain
293. I need more time to _____ the problems which you have presented.
 1) come from 2) get back 3) get along with 4) reflect on
294. For homework I want you to write a/an _____ on endangered species.
 1) essay 2) art 3) pool 4) economy
295. My relationship with my father played a major part in shaping my _____ towards men.
 1) mosaic 2) metal 3) attitude 4) pleasure
296. The national museum in Nairobi has collections of historical and cultural _____.
 1) artifacts 2) sites 3) wellness 4) combinations
297. Roland kissed the hand of his father and rose to his people, and _____ to him in respect.
 1) passed 2) bowed 3) drew 4) pressed
298. It's very _____ for older children to feel jealous after the birth of a baby.
 1) vast 2) lovely 3) cheerful 4) common
299. One of the first _____ to learn about other cultures is to simply accept that there are many different cultures other than our own culture.
 1) silks 2) essays 3) steps 4) mosaics
300. Mr Najafi got up from behind his desk to _____ me and offer me a chair.
 1) greet 2) weave 3) reflect 4) recognize
301. I can place the _____ of my hands on the floor without bending my knees.
 1) combinations 2) palms 3) tileworks 4) mosaics

302. "I'll never forget you," my sister said, and we _____ each other for the last time.
1) achieved 2) agreed 3) meant 4) hugged
303. Tom seems to be unwilling to _____ advice from native speakers who try to help him with his translations.
1) get back 2) draw 3) accept 4) name
304. Thank you very much for _____ me \$ 500 when I was having difficulty making ends meet.
1) meaning 2) lending 3) taking 4) bowing
305. The doctors tried to enhance his health condition. He didn't like to _____ the next competition.
1) miss 2) pass 3) catch 4) expect
306. To get coffee, put your money in the machine and _____ the green button.
1) produce 2) decide 3) recognize 4) press
307. A group of people who work together in a structured way for a _____ purpose is called an organization.
1) worried 2) shared 3) surprised 4) skillful
308. Many schools across Africa find it hard to employ teachers, _____ because there are not enough efficient people around.
1) simply 2) instead 3) nearby 4) quite
309. The following morning there will be an opportunity to _____ some of the local cultural attractions informal groups.
1) tour 2) draw 3) name 4) decide
310. As the project comes to an end, many workers now _____ an uncertain future.
1) forget 2) face 3) expect 4) draw
311. The early Greeks believed that plants were living _____ that felt pain and pleasure.
1) site 2) wellness 3) creatures 4) combination
312. He had amazingly five _____ years in which he managed to write four novels.
1) productive 2) decorative 3) uncertain 4) creative
313. The country has made great advances since _____ .
1) identity 2) item 3) individual 4) independence
314. There is a sense of common _____ that unites people of all nations.
1) handicraft 2) pleasure 3) humanity 4) prize
315. The invention of personal computers is one of the greatest _____ of our time.
1) homeland 2) item 3) achievement 4) metal
316. Months of secret talks with the rebels finally _____ the release of the hostage.
1) resulted in 2) reflected on 3) got back 4) came from
317. By early afternoon he has _____ nearly all the boxes and stacked them in the hall.
1) decided 2) unpacked 3) underestood 4) meant
318. The kids _____ their money to buy their parents a wedding anniversary gift.
1) pressed 2) promised 3) pooled 4) passed
319. Although he arrived around midnight, the streets were lined with thousands who _____ and warred as his limousine sped by.
1) greeted 2) cheered 3) turned 4) missed
320. She felt a glow of _____ when her name was announced for the prize.
1) essay 2) handshake 3) pool 4) pride
321. A: "How's your new car?"
B: "It's great- I'm really _____ with it."
1) pleased 2) packed 3) turned 4) reflected

CLOZE 6

Calligraphy occupies a privileged place in Islamic culture. From the moment when it became (356) and transmit the word of God contained in the Koran, it acquired a sacred function. But very rapidly it was also employed for (357) ends in secular as well as religious contexts (358) bowls and vases, for example, are often decorated with a combination of floral scrolls and inscriptions which quote the verses of a (359) poet, (360) wishes of happiness and prosperity or list the titles of a ruler.

356. 1) destined to reproduce 2) destined to reproducing
3) reproduce to destined 4) destine to reproduce
357. 1) depressed 2) fortunate 3) decorative 4) conditional
358. 1) Homeland 2) Metal 3) Item 4) Silk
359. 1) well-known 2) worried 3) vast 4) unique
360. 1) define 2) express 3) recognize 4) appreciate

CLOZE 7

Fingerprints are the tiny ridges, whorls and valley patterns on the tip of each finger. They form from pressure on a baby's tiny, developing fingers in the womb. No two people have been found (361) the same fingerprints – they are totally (362) There's a one in 64 billion chance that your fingerprint will match up exactly with someone else's. Fingerprints are even more unique than DNA, the genetic material in each of our cells. Although identical twins can share the same DNA – or at least most of it – they can't have the same fingerprints. Fingerprinting is one form of biometrics, a (363) that uses people's physical characteristics (364) them. Fingerprints are ideal for this purpose because they're (365) and analyze, and they never change, even as people age.

361. 1) have 2) having 3) to have 4) had
362. 1) unique 2) touching 3) ugly 4) uncertain
363. 1) prize 2) identity 3) power 4) science
364. 1) identify 2) to identify 3) identifying 4) identified
365. 1) inexpensive to collect 2) collect to inexpensive
3) inexpensive to collecting 4) to inexpensive to collect

CLOZE 8

God addresses entire humanity and asks them to be conscious of him, to be aware of his presence. God reminds people of a (366) reality: their earthly origins. All human beings have one God, their (367), one father – Adam – and one mother, Eve. The plight of modernity could begin (368) if human beings remember their origins. Human beings did not appear on this earth by their own will. Rather, someone else willed that human beings inhabit earth. Someone else willed their existence and prepared the earth and sun in perfect balance to make life possible. If people were to recall this simple fact, they (369) in the right direction. The One who willed human existence has perfect knowledge of humanity and their strengths and their weaknesses. If (370) recognized this, they would obey the one they owe their existence to.

366. 1) woven 2) forgotten 3) taken 4) referred
367. 1) creator 2) worried 3) total 4) bored
368. 1) to heal 2) heal 3) healing 4) will heal
369. 1) will proceed 2) proceed 3) would proceed 4) can proceed
370. 1) humans 2) promises 3) mosaics 4) silks



درک مطلب Reading Comprehension

۶۰٪ تست‌های آموزشی - سطح ساده

READING 1

The environmental matters that are worrying me most is the pollution of the sea. I think that the pictures we saw recently on the TV news during Easter holidays, still exist in our minds; all the accidents of the sea's vital and natural resources are caused by letting petrol – oil into the sea from big tankers. Concerning the fact that every day a big part of the sea is destroyed from similar accidents which happen all over the world, we could measure that in a half century there will be no part of the sea without pollution. As a result, fish which is one of the healthiest foods will be unsuitable for people. Furthermore, many kinds of the sea's vital and natural resources will disappear, people won't be able to swim and entertain themselves at sea and so on. Some possible solutions of these misfortunes are: 1) careful control of ships, which carry dangerous things, 2) all factories must clean their unwanted materials which are near the sea, and 3) research must be done by scientists in order to find ways for cleaning the already polluted parts.

371. The main point of the passage is about

- | | |
|--------------------------|----------------------------------|
| 1) pollution of the sea | 2) unwanted materials |
| 3) environmental matters | 4) pictures recently shown on TV |

372. The sea pollution is mainly caused by

- | | |
|--|--|
| 1) entering oil into seas accidentally | 2) not finding a proper way to clean seas |
| 3) dangerous things | 4) not cleaning the already polluted parts |

373. "These misfortunes" in line 8 best refer to

- | | |
|---|--|
| 1) not being entertained by seas | 2) carrying unwanted materials to seas |
| 3) all accidents which can destroy seas | 4) disappearance of natural resources |

374. According to the passage, in a half century, there will be no

- | | |
|--------------------------------|---------------------------|
| 1) foods at all | 2) natural resources left |
| 3) accidents happening in seas | 4) clean areas in seas |

READING 2

The spread of the desert is not new. In ancient times, for example, the Middle East was a very productive area. For hundreds of years, desert people moved from place with their animals before an area was destroyed. This gave land a chance to get better. They also raised crops every other year in an area, so they never overworked the land. These traditional ways are disappearing, largely because of modern technology. Today, many factors add to the problem along the edge of the desert. The population is growing, and too many animals feed on the damaged land. There is now a great effort to stop the spread of the desert everywhere in the world. This may be the last chance to save the land.

375. People in old times did NOT

- | | |
|---|-----------------------------------|
| 1) destroy the land they used for farming | 2) depend on animals |
| 3) change their place of living | 4) have good land for agriculture |

376. The best title for the passage is

- | | |
|--------------------------|--------------------------------------|
| 1) the spreading deserts | 2) traditional ways to save the land |
| 3) poor lands in danger | 4) productive lands |

377. The word "they" in line 3 refers to

- | | |
|------------------|------------------|
| 1) animals | 2) ancient times |
| 3) desert people | 4) crops |



16. Our group was explanation, but the other group asked for much more Explanation. خارج از کشور انسانی ۹۸
 1) ready for 2) absorbed in 3) uncertain of 4) satisfied with
17. "How would you Tim?" "He said he'd have on a red shirt, didn't he?" ریاضی ۹۸
 1) recognize 2) remind 3) discover 4) expect
18. We have two people called Paul James working here, so it's a bit! هنر ۹۸
 1) crowded 2) popular 3) incomprehensible 4) confusing
19. Eating correctly and exercising everyday are both needed to help boost in people, young and old alike. هنر ۹۸
 1) resources 2) principles 3) wellness 4) diversity
20. In my opinion anyone with values would do everything possible to avoid war. خارج از کشور عمومی ۹۸
 1) brave 2) moral 3) favorite 4) hospitable
21. Whenever I want to read an English story, I first the meaning of new words in a dictionary and only then begin reading the story. خارج از کشور عمومی ۹۸
 1) stand for 2) check in 3) pass away 4) look up

PART B Cloze Test

① In many cultures, people think that love and marriage go together-like bread and butter or meat and potatoes. They think that love is a/an (22) basis for marriage and that you should love the person you marry before you get married. In other cultures, (23), a man and woman may not even know each (24) before their wedding day. Romantic love is not essential to marriage in these cultures. These people (25) that love will develop after the wedding. (26) Your views on love and marriage come from your culture. Have you ever thought about that what are your ideas? تجربى ۹۰ با تغییر

22. 1) fortunate 2) uncertain 3) various 4) necessary
 23. 1) when 2) however 3) therefore 4) while
 24. 1) others 2) another 3) other 4) one another
 25. 1) catch 2) repeat 3) provide 4) expect
 26. 1) if the marriage is a good one 2) but the marriage is a good one
 3) if the marriage was a good one 4) if the marriage was good one

② Have you ever wanted a certain vegetable at the wrong time of the year? Have you ever come home from a long day only to (27) that you have no vegetables for your dinner? I've been there. I enjoy (28) my vegetables with my dinner. Dinner feels incomplete without just the right vegetable on my plate. But it seemed that every time I wanted to have a certain type of vegetable, It was always the (29) time. Well, not anymore! I've begun freezing my own vegetables, and I'm happy to say that now I have my (30) vegetables all year long, not to mention the savings. To most people, freezing vegetables seems like a time-consuming and (31) process; however, it's really very simple. You just need to know which kinds of vegetables are freezable, how to prepare them, and how to blanch them. خارج از کشور عمومی ۹۸

27. 1) believe 2) identify 3) discover 4) inform
 28. 1) have 2) having 3) to have 4) from having
 29. 1) wrong 2) exact 3) possible 4) enjoyable
 30. 1) vast 2) recent 3) favorite 4) expensive
 31. 1) complication of 2) to complicate 3) complicate 4) complicated



پاسخ نامه تشریحی



گرامر

۱۳. «من او را دیدم که از اتومبیلش پیاده می‌شد و بعد بدون این که به پشت سرش نگاه کند به طرف دیگری رفت.»

بعد از حرف اضافه without، فعل به شکل اسم مصدر (looking) به کار می‌رود.

۱۴. «اگر پدر لیزا به پیاده روی برود، او لیزا را باید مراقب بچه باشد.»

سؤال بسیار حالیه است و برای پاسخ گویی باید از روش حذف گزینه استفاده کنیم.

اگر در جمله شرط، زمان حال داشته باشیم باید در بخش جواب شرط، از زمان آینده استفاده کنیم. (حذف گزینه ۳) در درس ۲ یاد گرفتیم که بعد از فعل go، فعل‌های ورزشی و تفریحی و... به شکل اسم مصدر به کار می‌روند. در گزینه ۲، بعد از فعل goes، فعل به شکل ساده به کار رفته و به همین دلیل نادرست است. (حذف گزینه ۲) ساختار گزینه‌های درست هستند.

در درس ۴ سال دهم یاد گرفتیم که can «مفهوم توانایی» و must «مفهوم اجبار» را نشان می‌دهد یا توجه به معنی متوجه می‌شویم که در این تست نمی‌توانیم از can استفاده کنیم؛ پس گزینه ۱ نیز حذف می‌شود.

۱۵. «فقط: آیا فکر می‌کنی او برای تو کاری خواهد فرستاد؟»

اگر در بخش جواب شرط، زمان آینده (will) به کار رفته باشد، باید در جمله شرط از زمان حال استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۳ و ۲) دلیل غلط بودن گزینه ۱، این است که چون فاعل (He) سوم شخص مفرد است فعل باید به شکل goes به کار رود. (حذف گزینه ۱)

۱۶. «اگر من به پرواز ساعت ۱۰ برسم، ساعت ۱۲ آن جا خواهیم بود.»

در جمله شرط زمان حال (catch) به کار رفته است؛ پس جمله شرطی نوع اول است و باید در بخش جواب شرط، از زمان آینده استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۱ و ۲) will فعل کمکی است و باید بعد از آن فعل بیاید؛ این در حالی است که در گزینه ۲، بعد از will فعل به کار نرفته است. (حذف گزینه ۲)

۱۷. «اگر موفق نشوید به موقع کاتالوگ را تمام کنید، ناچاریم تا ماه آینده چاپ آن را به تعویق بیندازیم.»

در بخش جواب شرط، زمان آینده (we'll have to) آمده است؛ بنابراین شرطی نوع اول است و باید در جمله شرط، از زمان حال استفاده کنیم. (حذف گزینه ۴) یا توجه به معنی جمله متوجه می‌شویم که نقطه چین را باید یا ساختار منفی کامل کنیم (حذف گزینه ۱) برای منفی کردن زمان حال ساده از doesn't/ don't استفاده می‌کنیم. (حذف گزینه ۲)

۱۸. «من از تماشای تلویزیون خسته‌ام، بیایه پیاده روی برویم.»
بعد از فعل ربطی (am) صفت به کار می‌رود و چون قبل از نقطه چین ضمیر انسان (I) داریم باید از صفت مقعولی (tired) استفاده کنیم (حذف گزینه ۲). صفت tired با حرف اضافه of می‌آید و بعد از حرف اضافه of، فعل به شکل اسم مصدر (watching) به کار می‌رود. (حذف گزینه‌های ۳ و ۱)

۱. «کدام کلمه می‌تواند در جمله شرطی نوع اول به کار رود؟»
در جمله شرطی نوع اول، زمان حال به کار می‌رود. در بین گزینه‌ها، فقط گزینه ۲ زمان حال است.

۲. «اگر زیادی هله‌هوله بخورید، وزن کم نخواهید کرد.»
در جمله شرط از زمان حال ساده (eat) استفاده شده است؛ بنابراین شرطی نوع اول است و باید در بخش جواب شرط، از زمان آینده استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۳ و ۲) با توجه به معنی، گزینه ۴ نیز غلط است.

۳. «در پایان ما تصمیم گرفتیم هزینه‌ها را تقسیم کنیم.»
بعد از فعل agree، فعل دوم به شکل مصدر (to share) به کار می‌رود.

۴. «من معمولاً جیمی را در پارک ملاقات می‌کنم، او از قدم زدن در پارک لذت می‌برد.»
بعد از فعل enjoy، فعل دوم به شکل اسم مصدر (walking) به کار می‌رود.

۵. «رفتن به مرکز شهر از این جا راحت است.»
بعد از صفت easy، فعل به شکل مصدر (to get) به کار می‌رود.

۶. «اگر یک عکس به من بدهی در ذهنم خواهی ماند.»
اگر در بخش جواب شرط، زمان آینده (will remember) داشته باشیم، جمله شرطی نوع اول است و باید در جمله شرط، زمان حال استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۳ و ۱)

۷. «اگر آن‌ها همه به بهترین نحو کار کنند، جشن عالی می‌شود.»

گزینه‌های ۳ و ۲ به راحتی حذف می‌شوند؛ چون وقتی که در بخش جواب شرط از زمان آینده استفاده می‌کنیم، در جمله شرط باید زمان حال به کار رود و به همین دلیل این دو گزینه نادرست هستند. اگر گزینه ۱ را انتخاب کرده‌اید در تله تستی افتاده‌اید چون will فعل کمکی است و باید با یک فعل به کار رود.

۸. «اگر این کار را دوباره انجام دهی، متأسفانه مجبورم آن را گزارش دهم.»

در جمله شرط از زمان حال ساده (do) استفاده شده است؛ بنابراین جمله شرطی نوع اول است و باید در بخش شرط، از زمان آینده استفاده کنیم. تنها گزینه درست گزینه ۲ است. ایراد گزینه ۱ این است که بعد از must فعل باید به شکل ساده به کار رود نه به شکل مصدر.

۹. «من امشب می‌خواهم یک فیلم از تلویزیون ببینم.»
بعد از فعل (want)، فعل دوم به شکل مصدر (to see) به کار می‌رود.

۱۰. «اگر می‌خواهید مطمئن شوید که یک سندلی دارید، مهم است که زorro کنید.»

بعد از صفت (important)، مصدر (to reserve) به کار می‌رود.

۱۱. «او اغلب به خاطر وزنش افسرده می‌شود.»
بعد از فعل ربطی get، صفت به کار می‌رود. (حذف گزینه‌های ۱ و ۲) با توجه به این که قبل از نقطه چین ضمیر انسان (he) به کار رفته است باید از صفت مقعولی (depressed) استفاده کنیم. (حذف گزینه ۳)

۱۲. «من به بچه‌ها گفتم آن قدر سر و صدا نکنند.»
بعد از فعل tell، فعل دوم به شکل مصدر (to make) به کار می‌رود. با توجه به این که مفهوم جمله منفی است باید از not to make استفاده کنیم.

۲۱. اگر زودتر حرکت کنید از این جا بروید! به قطار خواهید رسید.

چون در جواب شرط، زمان آینده (will catch) به کار رفته، جمله شرطی نوع اول است و باید در جمله شرط از زمان حال استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۱ و ۲) اگر گزینه ۳ را انتخاب کرده‌اید در تله تستی افتاده‌اید؛ چون فعل live به معنای زندگی کردن است و نقطه‌چین باید با فعل leave به مفهوم «ترک کردن» کامل شود.

۲۲. اگر در امتحان عملکرد خوبی نداشته باشید چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

چون در جمله شرط، زمان حال (don't do) به کار رفته است، شرطی نوع اول است و باید در جواب شرط، از زمان آینده استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۱ و ۲) با توجه به این که جمله حالت سؤالی دارد باید بعد از کلمه پرسشی what، از will استفاده کنیم. (حذف گزینه ۲)

۲۳. اگر امتحان انگلیسی‌ام را خوب پاسخ بدهم به سیتما خواهم رفت.

چون در جواب شرط، زمان آینده (will go) به کار رفته، جمله شرطی نوع اول است و باید در جمله شرط از زمان حال استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۱ و ۲)

۲۴. من همیشه به فوتبال علاقه داشته‌ام.

بعد از فعل ربطی been، صفت به کار می‌رود و چون قبل از نقطه‌چین ضمیر انسان (I) به کار رفته است، باید از صفت مفعولی (interested) استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۱ و ۲) صفت interested با حرف اضافه in به کار می‌رود. (حذف گزینه ۳)

۲۵. راستش را بخواهید من تا حد مرگ ترسیدم.

بعد از فعل ربطی was، صفت به کار می‌رود (حذف گزینه‌های ۱ و ۲). قبل از نقطه‌چین ضمیر انسان (I) داریم پس؛ باید از صفت مفعولی (frightened) استفاده کنیم. (حذف گزینه ۳)

۲۶. عجله کن! من نمی‌خواهم ریسک کنم و آخرین قطار را از دست بدهم.

بعد از فعل want فعل دوم به شکل مصدر (to risk) به کار می‌رود. (حذف گزینه‌های ۱ و ۲) بعد از فعل risk فعل دوم به شکل اسم مصدر (missing) به کار می‌رود. (حذف گزینه ۲)

۲۷. آیا واقعاً برای کسی که در این کشور زندگی می‌کند آلمانی صحبت کردن سخت نیست؟

این سؤال خیلی جالب است و امکان طرح چنین تست‌هایی در کنکور سراسری و کنکورهای آزمایشی بسیار زیاد است. خیلی وقت‌ها طراحان محترم بین صفت و نقطه‌چین فاصله زیادی می‌اندازند و همین موضوع باعث سردرگمی دانش‌آموزان می‌شود. مثلاً در همین تست بین صفت (difficult) و نقطه‌چین فاصله زیادی است؛ ولی این فاصله تأثیری ندارد و باید نقطه‌چین را با مصدر (to speak) کامل کنیم.

۲۸. آیا خواهر شما درباره دعوت کردن دوستانش به مهمانی فکر کرد؟

بعد از حرف اضافه about، فعل به شکل اسم مصدر (inviting) به کار می‌رود.

۲۹. مدیران کارخانه، اما را انتخاب کردند تا مدیر جدید تولید باشد.

بعد از فعل choose، فعل دوم به شکل مصدر (to be) به کار می‌رود.

۱۹. آن‌ها از خیر، بسیار شگفت‌زده بودند.

بعد از فعل ربطی (were)، صفت به کار می‌رود و چون قبل از نقطه‌چین ضمیر انسان (They) داریم باید از صفت مفعولی (surprised) استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۱ و ۲) صفت surprised معمولاً با حرف اضافه at به کار می‌رود. (حذف گزینه ۳)

۲۰. او قول داد به محض این که به خانه برگشت، نزد پزشک برود.

بعد از فعل promise، فعل دوم به شکل مصدر (to go) به کار می‌رود.

۲۱. «فد؛ ما باید رأس ساعت دو در فرودگاه باشیم. می؛ خوب، اگر ما ساعت یک تا کسی بگیریم، دیر نخواهیم کرد.»
گزینه‌های ۱ و ۲ نادرست هستند؛ چون اگر در بخش جواب شرط، زمان آینده داشته باشیم در جمله شرط، باید از زمان حال استفاده کنیم، درحالی که در گزینه‌های ۱ و ۲ زمان گذشته (took) به کار رفته است. ایراد گزینه ۲ این است که بعد از won't باید فعل می‌آید که در این گزینه خبری از فعل نیست. (حذف گزینه ۲)

۲۲. او شگفت‌زده شد وقتی دید من پشت میز او می‌نشینم.

بعد از صفت (surprised)، مصدر (to see) به کار می‌رود.

۲۳. اگر آن دانش‌آموزها نمره‌های خوبی کسب نکنند، مجبور خواهند شد این دوره آدرس را تکرار کنند.
چون در بخش جواب شرط زمان آینده (will have to) داریم، جمله شرطی نوع اول است و باید در جمله شرط از زمان حال استفاده کنیم. (حذف گزینه ۱) گزینه‌های ۲ و ۳ به زمان حال اشاره دارند. با توجه به مفهوم باید نقطه‌چین را با ساختار منفی کامل کنیم و به همین دلیل فقط گزینه ۳ درست است.

۲۴. قبل از این که از طناب پایین بروید، مطمئن شوید که کاملاً محکم ایسته‌ا شده است.

بعد از حرف اضافه before، فعل به شکل اسم مصدر (attempting) به کار می‌رود. (حذف گزینه‌های ۱ و ۲) بعد از فعل attempt، فعل دوم به شکل مصدر (to climb) به کار می‌رود.

۲۵. متأسفم، فراموش کردم دیروز با شما تماس بگیرم.

بعد از فعل forget، فعل دوم به شکل مصدر (to phone) به کار می‌رود. اگر آن جمع‌رابه‌تنهایی بلند کنید، کم‌ترتان می‌شکند»
در جمله شرط زمان حال (lift up) به کار رفته است؛ پس باید در جواب شرط از زمان آینده استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۱ و ۲)

۲۷. اگر در یخچال شیر نیست، من می‌روم و مقداری می‌خرم.

بعد از نقطه‌چین اول، اسم غیرقابل شمارش (milk) به کار رفته است. در درس ۱ یاد گرفتیم که برای اسم‌های غیرقابل شمارش از فعل مفرد استفاده می‌کنیم. (حذف گزینه‌های ۱ و ۲) اگر در جمله شرط، از زمان حال استفاده کنیم، باید در بخش جواب شرط، از زمان آینده استفاده کنیم. (حذف گزینه ۱)

۲۸. آن مرد فکر کرد که کاملاً مهم است افراد در اسرع وقت لابی هتل را ترک کنند.

بعد از صفت important، مصدر (to leave) به کار می‌رود.

۲۹. من دوچرخه سواری را در سن پنج سالگی یاد گرفتم.

بعد از فعل learn، فعل دوم به شکل مصدر (to ride) به کار می‌رود.

۳۰. تنها زمانی با شما تماس خواهم گرفت که فکر کنم مشکلی وجود دارد.

چون در بخش جواب شرط، زمان آینده (will catch) به کار رفته، جمله شرطی نوع اول است و باید در جمله شرط از زمان حال ساده استفاده کنیم.



PART A Grammar and Vocabulary

1. My grandmother, who five years ago, abroad.
 - 1) died - has never been
 - 2) died - never went
 - 3) has died - has never been
 - 4) died - has never gone
2. What will you do with you?
 - 1) if she refuses to go out
 - 2) unless she refuses to go out
 - 3) if she refuses going out
 - 4) if she refuse to go out
3. There are Actually I prefer to download a film or read a book.
 - 1) a little program on television that I want to watch
 - 2) a few programs on television that I want to watch
 - 3) few programs on television that I want watching
 - 4) few programs in television that I want to watch
4. I was waiting sorry, but since he didn't, I just left.
 - 1) for him to say
 - 2) for him say
 - 3) him saying
 - 4) him to say
5. In the second stage of culture shock, people often find the of the new country to be strange and unpleasant.
 - 1) customs
 - 2) disorders
 - 3) invitations
 - 4) charities
6. It is better to lead from behind and to put others in front, especially when you celebrate victory when nice things occur. You take the front line when there is danger. Then people will your leadership.
 - 1) attack
 - 2) elicit
 - 3) spare
 - 4) appreciate
7. In every culture fashion plays an important role, from defining wealth and status to allowing individuals to express their style.
 - 1) exact
 - 2) unique
 - 3) foreign
 - 4) harmful
8. Studies show that the majority of bicycle head injuries could have been had the riders worn protective helmets.
 - 1) predicted
 - 2) protected
 - 3) polluted
 - 4) prevented
9. You can run away from him, stay in the same, or set your foot down and get things back into control.
 - 1) relationship
 - 2) radiation
 - 3) replay
 - 4) republic
10. The nicotine in cigarettes is extremely tonic, and has been classified as the most drug in existence.
 - 1) dedicated
 - 2) distinguished
 - 3) addictive
 - 4) cultural
11. Tobacco addiction costs our a lot of money in medical care for both smokers, and those around them.
 - 1) society
 - 2) gadget
 - 3) scale
 - 4) introduction
12. Averill Coxhead has noted that second language learners need to see new vocabulary in a wide of context in order to remember it.
 - 1) landfill
 - 2) reality
 - 3) souvenir
 - 4) range



مهارت‌های کلی درک مطلب

حدس زدن معنی لغات ناآشنا

همیشه یکی از مشکلات اساسی دانش‌آموزان در پاسخ‌گویی به سؤالات درک مطلب، لغات ناآشنا است. شما برای پاسخ‌گویی به سؤالات درک مطلب احتیاجی به دانستن معنی تمامی لغات ناآشنا ندارید، اما گاهی اوقات این کلمات در فهمیدن بهتر متن و یا پاسخ دادن به سؤالات درک مطلب بسیار حائز اهمیت هستند. در ادامه به شما روش‌هایی را یاد خواهیم داد که با استفاده از آن‌ها می‌توانید، معنی این لغات ناآشنا را متوجه شوید.

حدس زدن معنی لغت ناآشنا با استفاده از متن

کلمات و جملاتی که قبل و بعد از یک واژه جدید قرار گرفته‌اند را context یا «متن همراه» می‌گویند. در واقع context به ما یک دید و زمینه کلی درباره معنی واژه جدید می‌دهد. بنابراین معنی یک واژه جدید را می‌توان با خواندن کلمات و جملات قبل و بعد از آن حدس زد.



After the climb, both men were physically exhausted.

در این مثال کلمه exhausted یک لغت ناآشناست. خوب به ترجمه جمله دقت کنید: بعد از کوه‌نوردی، هر دو مرد از نظر جسمانی exhausted بودند.

بنابراین می‌توانیم با استفاده از جمله‌ای که exhausted در آن به کار رفته، معنی آن را حدس بزنیم. مطمئنم که حدستان برای معنی exhausted کلمه «خسته» بوده است.

حدس زدن معنی لغت ناآشنا با استفاده از defining (معنی کردن)

defining (معنی کردن) روشی است که در آن نویسنده، لغت جدید را مانند فرهنگ لغت معنی می‌کند.

علامت‌های defining:

is are means meaning



Art is what people create with imagination and skill.

در این مثال نویسنده با استفاده از is که از علامت‌های defining است، کلمه art را معنی کرده است. art چیزی است که مردم با تخیل و مهارت به وجود می‌آورند. بنابراین حدس زدن این‌که کلمه art به معنای «هنر» است کار چندان سختی نیست.

حدس زدن معنی لغات ناآشنا با استفاده از restating (بیان مجدد)

restating (بیان مجدد) روشی است که نویسنده سعی می‌کند با استفاده از آن لغت ناآشنا را برای خواننده ساده‌تر و یا واضح‌تر کند.

علامت‌های restating:

or i.e That is that is to say In other words



The exercise should be reasonable i.e lighter.

در این مثال نویسنده با استفاده از i.e که از علامت‌های restating است کلمه reasonable را برای خواننده آشناتر کرده است. (ورزش باید reasonable به عبارت دیگر سبک‌تر باشد.) خوب مشخص است که reasonable باید معنایی شبیه به «سبک‌تر، منطقی‌تر و... داشته باشد».

حدس زدن معنی لغت ناآشنا با استفاده از punctuation mark (علامت نشانه گذاری)

punctuation mark روش دیگری برای حدس زدن معنی لغت ناآشناست که در آن نویسنده با استفاده از علامت نشانه‌گذاری به خواننده کمک می‌کند معنی آن لغت را حدس بزند.